



پررنگ شدن پدیده تجاوز در فیلم‌های هالیوودی، چرا؟

از پذیرش تارسوایی

در چند ماهه اخیر و به‌خصوص بعد از رسوایی اخلاقی «هاروی واینستین»، تهیه‌کننده معروف هالیوودی، خیلی از زنان در جایگاه‌های مختلف اجتماعی و به‌خصوص بازیگران و هنرمندان لب‌باز کردند و در مورد آزار و اذیت‌های جنسی که در محیط کار و... دیده بودند،

فاطمه قاسم‌آبادی

روزنامه‌نگار

❧ وقتی سکوت می‌شکند

تجاوز و آزار جنسی زنان به‌خصوص زنانی که در اجتماع هستند مساله تازه و نوبی در غرب نیست اما سیل یک‌مرتبه‌ای شکایات و سراغ این آسیب‌ها رفتن آن هم با این وسعت جای سوال دارد. در حال حاضر بیشتر کسانی که در این سناریو پیشگام بوده‌اند شامل زنانی هستند که سال‌ها قبل مورد اذیت قرار گرفته‌اند و حالا بعد از گذشت سال‌ها از آن روزها، تصمیم گرفته‌اند به دنبال حقوق از دست‌رفته خود بروند. در حال حاضر این سوال پیش می‌آید که آیا واقعا منظور از این پرده‌برداری‌ها طرفداری از زنان در جهت کمتر شدن این آزارهاست یا بازی دیگری پشت این همه هیاهو خوابیده است. در این مورد نگاه کلی غرب به زنان از منظرهای مختلفی چون مذهب، اجتماع، اقتصاد، هنر و... قابل بحث است؛ اما ما در این مقاله قصد داریم نگاه سینما و فیلم‌ها را به مورد بحث آزار جنسی زنان بررسی کنیم، مخصوصا اینکه موج پرده‌برداری از آزارهای جنسی مردان از زنان هنرمند معروف شروع شد.

❧ اتاق

یکی از فیلم‌های مهمی که در سال‌های اخیر در مورد مساله تجاوز به دختران و زنان ساخته شده است، فیلم «اتاق» است به کارگردانی لنی آبراهامسون که در اسکار سال ۲۰۱۶ جوایز زیادی را از جمله اسکار بهترین بازیگر نقش اول زن را از آن خود کرد. داستان این فیلم با بیان زندگی یک زن و پسر خردسالش شروع می‌شود که در یک اتاق زندانی هستند.

در روند داستان مخاطب متوجه می‌شود این زن در واقع زندانی‌ای است که به اجبار در آن اتاق حضور دارد و توسط مردی که او را زندانی کرده اسیر شده است. در ادامه داستان زن موفق می‌شود با فریب مرد از آن اتاق نجات پیدا کند ولی دنیای بیرون از آن اتاق برایش بسیار غریب و دردناک است. در بیرون از اتاق زندگی روال عادی‌اش را برای والدین این زن که روزگاری تنها دختر این خانواده بوده است، داشته و هیچ خلل قابل دگری به خاطر شدن این دختر در زندگی والدینش اتفاق نیفتاده است. این مساله به قدری مشهود است که دختر قربانی در صحنه‌ای آن را به رخ مادرش می‌کشد که انگار با کم شدن من هیچ اتفاق مهمی نیفتاده است!

نکته قابل بحث دیگری که در فیلم اتاق به چشم می‌آید فاصله گرفتن فیلم از تعقیب و مجازات مردی است که مرتکب این جنایت شده است؛ به قدری این قسمت گذرا است که گویی با فرار مرد و نشان دادن چند ماشین پلیس مساله خاتمه پیدا می‌کند!

شخصیت‌پردازی زن قربانی به نوعی طراحی شده که انگار سرنوشتش را پذیرفته و هر چند سخت، اما با آن کنار آمده است. (همان‌طور که مادرش کم‌گرم شدنش را پذیرفته بود). در صحنه‌ای که دختر قربانی و خانواده‌اش دور میز نشستند این دختر از پدرش که از نگاه کردن به پسرش (که حاصل این تجاوز است) اجتناب می‌کند، می‌خواهد، به پسر نگاه کند و با این جمله در واقع از بقیه می‌خواهد که این پسر را ببیزند!

نگاه کارگردان به زندگی این زن به نوعی در راستای پذیرش و کنار آمدن با مساله تجاوز هفت ساله به روح و روان است و با عدم تعقیب و مجازات فرد متجاوز، گویی روی این مساله تاکید می‌کند که آن مساله دیگر تمام شده و ارزشی ندارد و باید به آینده نگاه کنیم!

❧ او

فیلم «او» به کارگردانی پل ورهوفن کارگردان مشهور هلندی که یکی از مدعیان دریافت اسکار برای بازیگر نقش اول زن در سال ۲۰۱۷ بود، موضوعی پیرامون

مساله تجاوز داشت؛ اما با زاویه‌دیدی متفاوت. داستان فیلم «او» درباره زن ۶۰ و چندساله‌ای به اسم میشل لبلانک (ایزابیل هوبر) است. او مدیرعامل یک شرکت تولید بازی‌های ویدئویی است که به نظر زنی موفق و بسیار جسور است. داستان از جایی شروع می‌شود که میشل در خانه‌اش به طرز خشنی توسط فرد ناشناسی مورد حمله و تجاوز قرار می‌گیرد و پس از این اتفاق میشل خیلی خونسرد و آرام بلند می‌شود، خانه‌اش را مرتب می‌کند، حمام می‌کند، شام سفارش می‌دهد و به برنامه روتین و عادی روزانه‌اش برمی‌گردد. بعد از مدتی که می‌گذرد، شخص متجاوز را که همسایه‌شان بوده است، شناسایی می‌کند و خواهان تجاوز دوباره می‌شود! شخصیتی که از زنان فرانسوی و زندگی بسیار آزاد و تا حدودی بی‌بندوبار آنها تا به حال بر پرده سینما توسط سینماگران به تصویر کشیده شده است باعث می‌شود برای مخاطب رفتار میشل به‌عنوان زنی که به دنبال برقراری رابطه با متجاوز خود است، خیلی غیرطبیعی نباشد اما رفتارهای دیگر این زن و نوع شخصیت‌پردازی دیوانه‌واری که دارد، حتی برای یک زن فرانسوی که قبلا توسط سینماگران به بدترین صورت ممکن به تصویر کشیده شده، هم زیاده‌روی است!

نگاه پل ورهوفن به‌عنوان کارگردان فیلم به زن و جایگاهش بسیار جنسی و تک‌بعدی است. این کارگردان هلندی که پیش از این با فیلم «غریزه اصلی» به شهرت رسید، زن را به نوعی یک موجود اهریمنی بدون مرزهای اخلاقی و اسباب بازی جنسی می‌داند.

ورهوفن در مصاحبه‌ای که پشت صحنه فیلم «غریزه اصلی» کرد در مورد دلیل و سند نوع نگاهی به زنان می‌گوید: «سال‌ها پیش در دوران دانشجویی با یکی از دوستانم به میهمانی رفتیم. آنجا زن یکی از خبرنگاران آن دوره را دیدیم که مدام حرکتاتی می‌کرد که نظرها را به سوش جلب می‌کرد. دوسم سر صحبت را با او باز کرد و از آن زن پرسید هیچ می‌دونی با این کارها بقیه رو به سمت خودت دعوت می‌کنی؟ زن خندید و گفت دیونه شدی البته که می‌دونم!»

نگاه ورهوفن به شخصیت‌های اصلی و ضدقهرمانان فیلم‌هایش که معمولا زنان هستند هرگز از این‌خاطره فراتر نمی‌رود و در تمام فیلم‌هایش این‌نوع نگاه تک‌بعدی جنسی مدام تکرار می‌شود. در فیلم «او» بی‌ارزش بودن ماهیت یک زن آن هم زنی تحصیل‌کرده و موفق که در جامعه از سطح بالایی برخوردار است در صحنه‌های آخر فیلم آنجایی که دوست میشل دلیل ازدواج میشل را می‌پرسد، نمایان می‌شود: «یک فرصت خوب و سکس!» میشل در پاسخ دوستش به پست بودن این دلایل تنها با نگاهی حق به‌جانب سکوت می‌کند، همین!

❧ برگشت‌ناپذیر

فیلم «برگشت‌ناپذیر» به کارگردانی گاسپار نوئه، شاید خشن‌ترین و بی‌پرده‌ترین فیلمی باشد که در مورد تجاوز ساخته شده است که در زمان اکرانش همین امر باعث شد اکران این فیلم در دنیا با درجه‌بندی‌های محدود‌کننده همراه باشد.

ماجرای فیلم برعکس فیلم‌های دیگر از آخر شروع می‌شود و به اول می‌رسد. داستان فیلم در مورد زنی به نام الکساندرا (مونیکا بلوچی) است که در یک میهمانی به همراه دوست پسرش (ونسان کسل) شرکت کرده و کمی مانده به اتمام میهمانی در آخر شب، میهمانی را تنها ترک می‌کند. در مسیر بازگشتش اما توسط فردی مورد تجاوز شدید قرارمی‌گیرد. دوست‌پسرش پس از فهمیدن این ماجرا، در پی پیدا کردن و انتقام گرفتن از مرد متجاوز می‌افتد.

«برگشت‌ناپذیر» فیلمی است که می‌تواند تماشاگرانش را از دیدنش منزجر کند، سکانس ۹ دقیقه‌ای که در آن الکساندرا به شدت مورد تجاوز قرار می‌گیرد نگاه بی‌پرده

و سادیسمی کارگردان را به خوبی نشان می‌دهد. این فیلم با توجه به روند رو به عقبی که دارد درنهایت زمانی به پایان می‌رسد که همه چیز در بهترین حالت و به اصطلاح معروف، خوب و خوش تمام می‌شود. این پایان خوش در حقیقت مخاطب را سردرگم می‌کند، گویی که تمام آن اتفاقات وحشتناک اول، خواب و خیالی بیش نبوده است و خب خواب بدون کابوس و رویا هم معنا ندارد! نگاه «برگشت‌ناپذیر» نسبت به زنان در بهترین و بدترین حالت خود به نوعی لذت‌جویی جنسی است؛ حال این لذت‌طلبی می‌تواند با توافق این زن توسط دوست‌پسرش و دوست مشترک‌شان باشد یا با عدم توافق و به زور توسط مرد منحرفی باشد که در آن توتل تاریک بر سر این زن آوار می‌شود.

❧ فقط یک فیلم است

در فیلم «برگشت‌ناپذیر» انتخاب بازیگری مثل مونیکا بلوچی به‌عنوان زن زیبایی که در اغلب فیلم‌هایش مردان هوس‌باز در پی او هستند و به چشم یک شیء جنسی برای مخاطبش جا افتاده، قابل تامل است و باعث می‌شود مخاطب خیلی هم دلش به حال این زن نسوزد، خصوصا که این بازیگر این نگاه و دید به خودش را قبول کرده و آن را به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی حرفه‌ای‌اش می‌داند.

در بخشی از صحبت‌های مونیکا بلوچی در مصاحبه‌ای با عنوان پنجاه سالگی مونیکا بلوچی، زیباروی سینمای ایتالیا در «دوپیه وله» این بازیگر گفت: «من از برهنگی هراسی ندارم، چون برای من، هیچ چیز زیباتر از یک بدن نیست. من بسا بدن مثل یک شیء رفتار کردم و این فوق العاده است... وقتی که ما برای نمایش فیلم «برگشت‌ناپذیر» به جشنواره کن رفتیم، لحظه‌ای که من از آن دالان زیرزمینی بیرون می‌آیم و من را برای اولین بار غرق درخون می‌بینند، او [همسرش ونسان کسل بازیگر نقش مقابلش] داشت گریه می‌کرد. به او گفتم، ونسان، بی‌خیال، این فقط یک فیلم است، می‌دانیم که واقعی نیست!»

❧ هالیوود و سیاستگذاری سکوت

یکی از نکات قابل بررسی در فیلم‌های این چندسال اخیر درمورد تجاوز که بسیارموردتوجه قرارگرفته، بحث سکوت زنان است که گاه این سکوت درفیلمی مثل «اتاق» به دلیل تسلیم شدن است. گاه مانند «برگشت‌ناپذیر» امری اجتناب‌ناپذیراست به‌خاطراتفاقی که دره‌صورت‌برای‌یک‌زن ممکن است بیفتد وگاهی هم مانند فیلم «او» به‌خاطر این مساله است که زن از این تجاوز خرسند است و به دنبال بقیه‌اش می‌گردد!

یکی دیگر از نکات مشترک درتمام این فیلم‌هاپرداختن به مساله تجاوز با توجه به نگاه آن جامعه به قضیه و زن سکوت‌کننده است. برای مثال درفیلم «اتاق»، دختری درجامعه‌ای مثل آمریکا به تصویرکشیده می‌شود که هنوز خانواده و فرزند درآنجا ارزشمند است بنابراین با توجه به این مساله شخصیت این دختر که سکوت می‌کند و تسلیم می‌شود، خلق می‌شود.

درفیلم «او»، زن درجامعه‌ای مثل فرانسه که خیلی ارزش‌های اخلاقی و دینی در آن ز بیسن رفته، به عنوان یک زن درجه‌بندی‌های محدود‌کننده بی‌اخلاقی‌های رایج اعتراضی به این تجاوز نمی‌کند.

در ورژن ایرانی از س سری فیلم‌هایی که در مورد تجاوز ساخته شده است مانند فیلم «فروشنده» مساله زن سکوت‌کننده را طوری طرح می‌کند که درنهایت این موضوع را برای بیننده به خاطر اینکه مساله تجاوز به معنای کامل، رخ نداده و دلایل دیگر که با دقت انتخاب شده است (مثل پیر و بیمار بودن و آبرومند بودن فرد متجاوز) قابل قبول می‌کند.

اما در این میان آنچه قابل تامل است، اینکه درتمام این سناریوها، زنان و دختران درمقابل این ظلم بزرگ سکوت می‌کنند و به نوعی آن را می‌پذیرند و با آن کنار می‌آیند.

حال این سوال پیش می‌آید که این حجم از تلقین به

مخاطب درراستای شکایت یا عدم آن به مساله تجاوز در جهت رفع این ظلم است یا پذیرش و عادی‌سازی آن؟

❧ زنان انتقام‌جو

در میان فیلم‌هایی که در مورد زنانی است که مورد تجاوز قرار می‌گیرند به نوعی این اتفاق را می‌پذیرند، فیلم‌هایی هم وجود دارند که در آنها، زنان عصبانی و خشمگین، بعد از این اتفاق به هیولاهای انتقام‌گیرنده تبدیل می‌شوند که فرد یا افرادی را که به آنها تجاوز کرده‌اند با خشم و خشونت بسیار از پا درمی‌آورند. فیلم‌هایی نظیر «خانم کالبر۴۵»، «بانوی برف‌خونی»، «بازگشت به فرستنده» و... از این دسته به حساب می‌آیند. در این نوع فیلم‌ها زنان با دست بردن به انواع حيله‌ها و روش‌های عجیب برای گرفتن انتقام نقشه می‌کشند و این انتقام را با بی‌رحمی تمام و مسلما مقدار زیادی خون و خشونت که چاشنی چنین فیلم‌هایی است، می‌گیرند.

❧ دلیل وجود زنان از نگاه هالیوود

در بین فیلم‌هایی که زنان در آن به دنبال انتقام هستند فیلم «نابخشوده» خلاصه کلام تمام آنهاست. داستان فیلم «نابخشوده» در مورد زنان فاحشه‌خانه‌ای است که به علت آزار و آسیب رسیدن به یکی از این زنان توسط دو مشتری، افرادی را استخدام می‌کنند تا انتقام این رفتار را بگیرند...

دیالوگ معروف فیلم که توسط ویل مانی گفته می‌شود قابل تامل است:

«هر کس به زنی آسیب برسونه لایق زندگی کردن نیست چون زن‌ها برای مهار طبیعت وحشی باید در کنار مردها باشن.»

این تفکر که مهم‌ترین دلیل وجود زن‌ها را نیاز جنسی مردان تعریف می‌کند به شکل‌ها و شیوه‌های مختلف در بیشتر فیلم‌های غربی و مقلدان شرقی‌شان وجود دارد. به خاطر همین هم وقتی می‌خواهند زنان عصبانی و خشمگین انتقام‌گیرنده را در فیلم‌ها نشان بدهند تا این اندازه در بی‌رحمی و شقاوت‌شان اغراق می‌کنند؛ چرا که این زنان دلیل وجود داشتن‌شان در دنیا را فراموش کرده‌اند و قصد دارند برخلاف جهت آب شنا کنند!

❧ جایگاه زنان در تفکر غرب

نگاه به زنان در غرب از دیرباز جایگاه الهی و ارزشمندی نداشته است. این مساله تا حدود زیادی به اعتقادات انحرافی که وارد تفکرات ادیان مختلف در مورد زنان شده است، بر می‌گردد.

در تفکر یهود زن موجودی شیطانی معرفی می‌شود که خداوند به وسیله یکی از استخوان‌های دنده آدم او را می‌سازد. درنهایت همین زن مرد را فریب می‌دهد و باعث می‌شود از جایگاه والا و بهشت به‌زمین سقوط کند. در تفکرات مسیحی نیز این امر شایع بوده است. در قرون وسطی زنان هیچ‌گونه حقوق مادی یا معنوی از خود نداشتند و مجازات تجاوز به یک زن برابر با مجازات یک دزدی ساده بوده است.

این وضعیت در دوره نوزایی (دوره نوزایی در قرون ۱۴ و ۱۵ به‌وجود آمد. این دوران جنبش فرهنگی مهمی بود که آغازگر دورانی از انقلاب علمی و اصلاحات مذهبی و پیشرفت هنری در اروپا شد) هم فرق چندانی نکرد و حتی آمدن مارتن لوتر و آوردن مذهب جدیدی به نام پروتستان هم نوع نگاه به زنان را تغییر نداد؛ به‌طوری که خود لوتر در مورد زنان می‌گوید:

«اگر زن‌ها از پا درآمدند یا حتی مردند مساله‌ای نیست بگذارید آنها در زامیان بمیرند؛ زیرا این دلیل بودن آنها در اینجاست.»

این جملات خود به تنهایی گویای نفرت و نگاهی است که

شندند و درنهایت بازویی در این تصویر به چشم می‌خورد که نشان از سیل عظیم زنان قربانی دیگر داشت که هنوز لب‌باز نکرده‌اند.

در این گزارش سعی شده است به این مساله و فیلم‌هایی که با این موضوع ساخته شده‌اند، بپردازیم.

❧ موفقیت به هر قیمتی

در اتفاقات اخیر و مساله آزار و تجاوز جنسی به‌خصوص در بین بازیگران هالیوودی چهره‌هایی به چشم می‌خورند که برای مردم بسیار نام‌آشنا هستند؛ چهره‌هایی مثل آنجلینا جولی، گوئنیت پالترو و... از هاروی واینستین شکایت کرده‌اند که از آنها سو استفاده جنسی کرده است و آزارشان داده ولی نکته عجیب اینجاست که هیچ کدام از این زنان در مقابل دفاع از حریم شخصی‌شان حاضر نشده‌اند بهای از دست‌دادن فرصت شغلی را بپردازند تا از این آزار در اسان بمانند و بعضی از این زنان حتی در کارهای بعدی خود هم با وجود خاطره بدی که به قول خودشان از این مرد شیطانی داشته‌اند، باز با این تهیه‌کننده کار کرده‌اند! با این تفکر که برای پیشرفت هر بهایی را باید پرداخت در زندگی این زنان بسیار قوی است؛ حتی قوی‌تر از حفظ حریم شخصی، آزادی و...

این زنان با توجه به نقش‌هایی که طی سال‌های بازیگری خود بازی کرده‌اند از اینکه به‌عنوان تصویری از جذابیت جنسی به مخاطب خود معرفی بشوند هیچ‌آبا و اعتراضی ندارند و تا زمانی که این تصویر شهرت بیشتر، ثروت و... برایشان به ارمغان بیاورد راضی هستند، اما وقتی قرار می‌شود به خاطر این عنوان به آنها دست درازی شود اول قبول می‌کنند و بعد موضع می‌گیرند!

مرلین مونرو در کتابی با عنوان «داستان من»، در خاطراتش می‌آورد:

«من یک زن بازنده هستم. مردها از من انتظار یک چیز را دارند و آن هم به خاطر تصویری است که از من ساخته‌اند؛ تصویری که خودم هم در ساختن آن کمک کرده‌ام، برای همین مرلین مونرو سمبلی از تنها چیزی است که مردها از آن استقبال می‌کنند.»

❧ حقیقت یا جسارت؟

این تفکر که فرقی نمی‌کند قربانی تجاوز در آن لحظه چه پوشیده، کجا بوده و چه می‌کرده، در هر صورت کسی حق ندارد دیگری را مورد تعرض قرار بدهد، در برخی بسترهای مبارزه با

تجاوز و آزار جنسی دیده می‌شود اما با توجه به جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم این جملات بیشتر شبیه یک رویاست تا واقعیتی که مردم و به‌خصوص زنان در زندگی و اجتماعی که در آن هستند، با آن سرو کار دارند. در حقیقت رعایت و توجه به تمام این نکات برای بروز و عدم بروز چنین حوادثی مخصوصا برای یک زن موثر است اما وقتی قرار باشد صورت مساله پاک شود، مسلما جواب‌ها هم تغییر می‌کند.

سخن آخر اینکه موج به راه افتاده اخیر در مورد مساله آزار جنسی و تجاوز آن هم با این ابعاد تبلیغاتی وسیع، به نوعی به بازی حقیقت یا جسارت شبیه است؛ منتها افرادی که در این بازی شرکت می‌کنند اول باید جسارت خود را در تحمل اتفاقات ناگوار نشان بدهند و تجاوز و آزار را ببینند بعد می‌توانند وارد مرحله بعدی یعنی حقیقت شوند و این درد را با بقیه به اشتراک بگذارند.

این مساله که چرا در حال حاضر یک‌مرتبه این حجم از اعتراضات با تبلیغات اغراق‌آمیز به سمت مساله تجاوز و آزار جنسی رفته است، به نظر می‌رسد بیشتر از اینکه برای مطالبه حقوق از دست‌رفته زنان در جایگاه‌های مختلف اجتماعی باشد، به تریبونی شباهت دارد که اعلام می‌کند هیچ امنیتی در هیچ شغل و جایگاه سیاسی، هنری و... برای زنان وجود ندارد و اگر کسی بخواهد به فعالیت‌های خود ادامه بدهد مجبور است با این آزارها روبه‌رو شود.